



# از سرمای قطب تا طبیعت وحشی آمازون

در صد و شانزدهمین سالروز رسیدن پای اولین کاوشگران به قطب شمال، گپ و گفتی داریم با محمد گلزار داروساز و گردشگری که به ۱۰۰ شهر دنیا سفر کرده و ماجراجویی‌هایش در شبکه‌های اجتماعی پر باز دید شده است



سید مصطفی صابری | روزنامه‌نگار

پرونده

سفر و ماجراجویی کم و بیش عمری به اندازه حیات انسان هوشمند در این سیاره دارد. سفر به دل جنگل‌هایی با جانوران ناشناخته، ماجراجویی در نقاطی که پای انسانی به آن باز نشده و... از کنجکاوی‌های جالب و قدیمی ما انسان‌هاست. یکی از مناطقی که همیشه کاوش در آن برای مردم دنیا جذاب بوده قطب شمال و جنوب است. طی قرن‌ها افراد مختلفی تلاش کردند تا اولین انسان‌هایی باشند که به این نقاط جغرافیایی سخت دسترسی پیدا می‌کنند. بد نیست بدانید در ست ۱۶ سال قبل مثل امروز یعنی در ۶ آوریل ۱۹۰۹، رابرت پیری و همراهش متیو هنسون، با کمک چهار نفر از اسکیموهای اینویت، ادعا کردند که به قطب شمال رسیده‌اند. ادعایی که به شدت مورد مناقشه رقیب قرار گرفت و هنوز هم درباره‌اش بحث است. حالا که از طرفی هم در سالروز کاوش تاریخی پیری و هنسون هستیم و از طرف دیگر هم سفر به قطب جنوب توسط یکی از مسئولان توام با حواشی و در نهایت عزل او شد، گفتیم برویم سراغ یک جهانگرد خوش ذوق که سفرهایش به دور دنیا و مناطقی مثل قطب، جنگل آمازون و... در شبکه‌های اجتماعی مورد استقبال قرار گرفته است. البته نباید از این نکته غافل شد که هر چند سفر و کاوش حق هر کسی است؛ اما در شرایط اقتصادی امروز کشور، انتظار می‌رود مسئولان تمرکز خود را روی رفع دغدغه‌های مردم بگذارند و پرداختن این مطلب به بحث جذابیت‌های سفر به قطب به منزله تأیید حواشی اخیر معاون پارلمانی عزل شده رئیس جمهور نیست. با این پرونده خواندنی و پرماجرا همراه ما باشید.

## موج‌های دریای کریستال شدند!

ما بود. اما دیدن محل تلاقی برف و دریا در سرمای منفی ۳۷ درجه سانتی‌گراد تجربه‌ای خاص و فراموش‌نشدنی بود. در این مکان، موج‌های خروشان دریا که هنگام برخاستن به هوا، به دلیل سرما به کریستال تبدیل می‌شدند، حس عجیبی را در قلب ما ایجاد کردند. این تجربه حتی از نظر چند تن از همراهان ما، از دیدن شفق قطبی هم تأثیرگذارتر بود.



تلاش برای حفاظت از اکوسیستم خاص قطب شمال و جلوگیری از آسیب‌های ناشی از حضور انسان باعث شده تا محدودیت‌هایی در سفر به این ناحیه اعمال شود و برای همین گردشگرانی که می‌خواهند تجربه نزدیک‌تری داشته باشند، ترند جالبی می‌زنند؛ محمد گلزار در این باره می‌گوید: «سفر به دهکده ترپیر کادر شمال روسیه هم یکی از تجربه‌های بی‌نظیر ما بود. دهکده ترپیر کابیکی از شمالی‌ترین نقاط قابل سکونت کره زمین است که در مجاورت دریای بارتس قرار دارد. این دهکده در فصل‌های گرم، یکی از مناطق ماهی‌گیری مهم روسیه محسوب می‌شود، اما در فصل‌های سرد، به دلیل سرمای شدید و دسترسی سخت، تقریباً خالی از سکنه است. چند سال پیش، یک فیلم سینمایی در این منطقه ضبط شد که باعث شد نام این دهکده بر سر زبان‌ها بیفتد. اکنون ترپیر کابیکی از نقاط گردشگری اصلی شمال روسیه در فصل‌های سرد محسوب می‌شود. در خور ذکر است که بازدید از این دهکده نیاز به مجوز ویژه‌ای دارد و گاهی گذرنامه شما نیز توسط مأموران بررسی می‌شود. این موضوع به دلیل موقعیت استراتژیک این منطقه و مجاورت آن با دریاهای آزاد رخ می‌دهد. در این منطقه، بازدید از ساحل تخم‌ازدها، مشاهده کشتی‌های به گل‌نشسته، دیدن صندلی معروف سریال «بازی تاج و تخت» و منظره‌نهند دریای بارتس از جذابیت‌های سفر

## در مسیر درک بهتر دنیا

قبل از آن که سراغ تجربه تماشای شفق قطبی برویم از محمد درباره انگیزه او و همسرش برای سفر به دور دنیا می‌پرسم؛ انگیزه اصلی ما از سفر کردن، درک بهتر دنیا و شناخت تفاوت‌های فرهنگی مختلف است. یکی از جذاب‌ترین بخش‌های سفر، چشیدن طعم‌ها و مزه‌های جدید است و من در این مسیر کوچک‌ترین تردیدی به خود راه نمی‌دهم؛ از چشیدن ملخ و زنبور در رستوران‌های چینی تا خوردن گوشت گوزن در مناطق شمالی روسیه، تا امتحان ماهی‌های خاص هر منطقه. تست ادویه‌های مختلف دنیا و روش‌های پخت‌و‌پز غذای سنتی از مواردی است که همیشه همراهان خود در سفر را به آن تشویق می‌کنم. این موضوع به عقیده من یکی از بهترین راه‌ها برای درک تفاوت‌های فرهنگی است.

## تجربه دشوار تماشای شفق قطبی

محمد درباره منظره بی‌نظیر شفق قطبی می‌گوید: «سال گذشته به قصد دیدن شفق قطبی، سفر به شمال روسیه را آغاز کردیم. در مورد شفق قطبی باید گفت که مشاهده این پدیده تنها در زمان‌های خاصی از سال امکان‌پذیر است. علاوه بر موفقه شانس، چند پارامتر دیگر هم در این موضوع نقش دارد؛ از جمله تاریکی کامل هوا، سرد بودن هوا، آسمان صاف و بدون ابر، دوری از نورهای مصنوعی شهری، فعالیت‌های شدید خوردشیدی و شب‌هایی که ماه کامل در آسمان نیابد. مهم است بدانیم که مشاهده شفق قطبی، همانند بسیاری از برنامه‌های ماجراجویانه، قطعی نیست و ممکن است شبی که در این مناطق سیری می‌کنید، به دلیل نبود یکی از پارامترها، موفق به دیدن شفق نشوید. به همین دلیل، اگر تصمیم به سفر به این مناطق دارید، حداقل ۴ تا ۵ شب را برای آن اختصاص دهید تا شانس مشاهده این پدیده افزایش یابد. همچنین بهتر است از راهنمایان محلی آگاه کمک بگیرید؛ زیرا یافتن مکانی مناسب برای مشاهده شفق نیاز به تجربه دارد. برای این منظور باید به مناطقی خارج از شهر بروید که هم از نورهای مصنوعی و آلودگی نوری دور باشد، هم شرایط آب‌وهوایی بهتر داشته باشد و هم ویژگی‌های بصری جذابی در نزدیکی شما باشد تا تصاویر بهتری ثبت کنید».

## رقص ارواح در آسمان

محمد با بیان این که دیدن شفق قطبی یکی از خاص‌ترین تجربه‌های من شد، اضافه کرد: «تماشای رقص شفق که بومیان آن را «رقص ارواح» می‌نامند، چنان زیبا بود که باعث شد اشک من بی‌اختیار در آن سرمای شدید جاری شود. در افسانه‌های برخی قبایل بومی قطب شمال، مانند سامی‌ها که در اسکاندیناوی و شمال روسیه سکونت دارند، شفق قطبی را روح انسان‌ها یا اجدادشان می‌دانستند که در آسمان در حال رقص و شادی یا عزا دارند هستند. این نورهای سبز، قرمز و بنفش که در آسمان حرکت می‌کنند، از نظر آن‌ها حرکات ارواح است که به همین دلیل لقب «رقص ارواح» به آن داده‌اند».



## ۴ روز بدون خورشید

با نوازادان خود مشغول خرید روزانه هستند. انگار این شرایط کاملاً برای آن‌ها عادی شده است، در حالی که در کابین موضوع برای مادشوار بود. پرواز ما از مسکوبه مورمانسک هم با تجربه‌ای غیرمنتظره همراه بود. زمانی که هواپیما آماده نشستن در فرودگاه مورمانسک بود، به دلیل یخ‌زدگی باند، مجدداً ارتفاع گرفت و به یک فرودگاه دیگر منتقل شد. پس از حدود ۶ ساعت انتظار در هواپیما، شرایط فرودگاه مورمانسک بهتر شد و توانستیم به این شهر بازگردیم. این هم یکی دیگر از شرایط پیش‌بینی‌نشده سفرهای ماجراجویانه بود».

اما آن چه خواندید تمام شگفتی‌های سفر به یکی از شمالی‌ترین نقاط سیاره نیست؛ محمدا دامه می‌دهد: «یکی دیگر از ویژگی‌های سفر ما، تجربه شب قطبی یا Polar Night بود. در حوالی ماه ژانویه به مدت ۴۰ روز در منطقه مورمانسک، خورشید طلوع نمی‌کند. صبح‌ها حدود ساعت ۱۱ مقداری روشنایی به آسمان می‌آید و تنها چند ساعت بعد، تاریکی مطلق باز می‌گردد. با این حال، مردم محلی زندگی عادی خود را دارند؛ کودکان به مدرسه می‌روند، بزرگسالان از حمل‌ونقل عمومی استفاده کرده‌به محل کار می‌روند و حتی مادران

## آرزویم سفر به قطب جنوب است

داده‌وراه‌های ارزان‌تر سفر به این مناطق را با دیگران به‌اشتراک بگذارم تا کمک کوچکی به جامعه عاشقان سفر کرده‌باشم. بد نیست بدانید تا امروز بیش از ۵۰ سفر به ۲۷ کشور دنیا داشته‌ام و تجربه گشت‌وگذار در حدود ۱۰۰ شهر مختلف را دارم. اما آرزوی بزرگ من، سفر به قطب جنوب و بازدید از قاره هفتم است. این سفر به دلیل نیاز به اخذ مجوزهای خاص و هزینه‌های بالا، احتمالاً در آینده دور محقق خواهد شد، اما همچنان یکی از اهداف بزرگ من است».

دوست دارم بدانم این داروساز ماجراجو چطور تجربه‌هایش را ثبت می‌کند؟ می‌گوید: «سفر نامنویسی یکی از ضروری‌ترین بخش‌های برنامه‌ریزی سفر است. مطالعه تجربیات کسانی که پیش از ما به مناطق موردنظرمان سفر کرده‌اند، کمک می‌کند تا با دید بازتری به مشکلات احتمالی پیش‌رو، برنامه‌ریزی مکان‌های موردبازدید و انتخاب نحوه حمل‌ونقل بین مقاصد مختلف بنگریم. خود من پس از هر سفر تلاش می‌کنم سفرنامه‌ای تصویری ارائه

## از داروسازی تا ماجراجویی‌های جهانی

از محمد که متولد سال ۷۱ است می‌خواهم کمی از خودش بگویم و این که چطور عاشق سفر شد: «من محمد گلزار اصفهانی هستم و فارغ‌التحصیل دکتری از داروسازی از دانشگاه علوم پزشکی یزد. سال ۱۳۹۶ دوران تحصیلاتم به پایان رسید و اکنون در داروخانه شخصی خود در اصفهان مشغول کار هستم. علاقه من به سفر و گردشگری از دوران دانشگاه آغاز شد؛ با شرکت در گروه‌های کوهنوردی و طبیعت گردی در یزد، هر هفته برنامه‌ای برای گشت‌وگذار در اطراف این شهر بر گزار می‌کردیم. همین تجربیات باعث شد که به مدیریت برنامه‌های گردشگری و تور لیدری علاقه‌مند شوم. بعد از پایان دوران سربازی، در سال ۱۳۹۸ با همسرم تصمیم گرفتیم سفرهای فصلی داشته باشیم، حتی با بودجه محدود. اولین سفرهای خارجی ما انجام شد، اما بعد از وقوع پاندمی کرونا، تا مدت‌ها امکان سفرهای بین‌المللی فراهم نبود. پس از پاندمی، شرکت قطر ایرویز بلیت‌های رایگان به کادر درمان کشورهای مختلف داد؛ ما هم در قرقه کشی برنده شدیم و مقصدی متفاوت انتخاب کردیم: برزیل».

## تماشای دلفین‌مورتی و مار آناکوندا در ریه زمین!



دوست دارم محمد از ماجراجویی در برزیل بگویم که انتخاب جالبی برای یک سفر است: «سفر ۱۶ روزه به برزیل یکی از بهیادماندنی‌ترین سفرهای من بود. از یک طرف زندگی شهری با شور و نشاط مردم برزیل بود و از سوی دیگر زندگی در جنگل‌های گسترده آمازون. این جنگل‌ها که به «ریه زمین» شهرت دارند، طبیعتی وحشی و بی‌نظیر داشتند. شنا کردن با دلفین‌های صورتی، زندگی در کنار قبایل بدوی بدون امکانات اولیه مانند برق و آب‌لوله کشی و مشاهده جانورانی نظیر مار آناکوندا، حیوان تنبل و پرندۀ خطر جنگل از تجربه‌های خاص این سفر بودند. اهالی جنگل آمازون روش‌های قابل توجهی مانند نحوه دور کردن حشرات و استفاده از آب شیرین موجود در آوند‌های درختان را به ما آموزش دادند. شکار ماهی پیرا‌ناما یکی دیگر از تجربیات هیجان‌انگیز من بود».

## وقتی شدم کوله‌پشتی

محمد گلزار در فضای مجازی به «کوله‌پشتی» معروف است؛ از علت این ماجرا می‌پرسم که می‌گوید: «سفر ۱۶ روزه برزیل را من و همسرم، تنها با همراه داشتن دو کوله‌پشتی انجام دادیم؛ چون هزینه پروازهای داخلی در برزیل، در صورت داشتن چمدان بسیار گران می‌شود. دوستان من از همان زمان لقب «کوله‌پشتی» را به من دادند و این موضوع موجب شد تا انگیزه بیشتری پیدا کنم و سفرهای بعدی را هم فقط با کوله‌پشتی انجام دهم. علاوه بر این تلاش کردم دیگران را تشویق کنم تا برای راحتی خودشان در گشت و گذارها و جابه‌جایی‌ها و همچنین کاهش هزینه‌های پرواز، از چمدان کوچک یا کوله‌پشتی استفاده کنند. در یک سفر تنهایی به ۱۳ شهر از ۷ کشور اروپایی در سال گذشته، تنها از یک کوله‌پشتی استفاده کردم. این سبک سفر، هر چند سختی‌هایی مانند شست‌وشوی لباس‌ها و محدودیت ظرفیت بار داشت، اما باعث شد به راحتی در بین کشورهای مختلف سفر کنم. همچنین در مقاصد که اسکان نداشتیم و تنها قصد بازدید از شهر و حرکت به مقصد بعدی را داشتیم، سختی حمل چمدان هم حذف شد. به همین دلایل، من توصیه می‌کنم که مردم سبک‌تر سفر کنند و خود را درگیر با وسایلی غیر ضروری نکنند».